**ما و آینه بزرگ دفاع مقدس**

**باسمه تعالی**

این مسلّم است که ما برای امروز و فردا و پس فردای خود همواره باید چشم به آینه بزرگ دفاع مقدس دوخته باشیم و در این رابطه خوب است به نکات زیر به عنوان اشاره به آن آینه بزرگ، توجه شود.

1- راستی را! مگر جز این است که «آینه، یعنی صورت و معنا»؟! حال ما در این آینه و در اشارت‌های صحنه دفاع مقدس چه چیز را باید بنگریم تا معنای حقیقیِ این صورت‌ها باشد؟ صورت‌هایی که در معنای خود به عمیق‌ترین معنای حضور انسان در این قرن اشارت دارد تا انسان، آری! تا انسان خود را در معنایی بس بزرگ جستجو کند.

2- در نظر به آینه بزرگ دفاع مقدس خوب است با نگاه حضرت روح الله«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» به آن آینه بنگریم که می‌فرمایند:

«هر روز ما در جنگ بركتي داشته‌ايم كه در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ايم، ما انقلاب‌مان را در جنگ بــه جهان صادر نموده‌ايم، ما مظلوميت خويش و ستم متجاوز را در جنگ ثابت نموده‌ايم. ما در جنگ پرده از چهره تزوير جهان‌خواران كنار زديم. ما در جنگ ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب را شكستيم. ما در جنگ ريشه‌هاي انقلاب پربار اسلامي‌مان را محكم كرديم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان داديم كه عليه تمامي قدرت‌ها، ساليان سال مي‌توان مبارزه كرد. جنگ ما كمك به فتح افغانستان را به دنبال داشت. جنگ ما فتح فلسطين را به دنبال خواهد داشت…. و از همه مهم‌تر استمرار روح «اسلام انقلابي» در پرتو جنگ تحقق يافت… جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدني نيست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. چه كوته نظرند آن‌هايي كه خيال مي‌كنند چون ما در جبهه به آرمان نهايي نرسيده‌ايم، پس شهادت و رشادت و ايثار و از خود گذشتگي و صلابت بي‌فايده است! در حالي‌كه صداي اسلام‌خواهي آفريقا، از جنگ هشت ساله ماست. علاقه به اسلام‌شناسي مردم در آمريكا و اروپا و آسيا و آفريقا يعني در كل جهان، از جنگ هشت ساله ماست... راستي مگر فراموش كرده‌ايم كه ما براي اداء تكليف جنگيده‌ايم و نتيجه، فرع آن بوده است؟...»

3- امام خمينى«رضوان‌الله‌تعالى‌عليه» بعد از پذيرش قطعنامه و ختم جنگ با صدام مى‏فرمايند اين جنگ تا قيام قيامت ادامه دارد، و تأكيد مى‏كنند: «امروز بيشتر از هر زمانى كينه و دشمنى استعمار عليه اسلام ناب محمدى بر ملاشده است.» و در آخرين جملات خود در فروردین 1368 مى‏فرمايند: «امروز خداوند ما را مسئول كرده است، نبايد غفلت نمود. امروز با جمود و سكون و سكوت بايد مبارزه كرد و شور و حال حركت انقلاب را پابرجا داشت... غرب و شرق تا شما را از هويت اسلاميتان به خيال خام خودشان بيرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شويد و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور. هميشه با بصيرت و با چشمانى باز به دشمنان خيره شويد و آنان را آرام نگذاريد كه اگر آرام بگذاريد لحظه‏اى آرامتان نمى‏گذارند.»

4- آیا حکایت حضور تاریخی ما در مواجهه با دفاع مقدس، حکایت از آن ندارد که باید به آینده‌ای نظر کرد که در راستای حضوری است که با دفاع مقدس به میدان آمد؟ در این رابطه رهبر معظم انقلاب«حفظه‌الله‌تعالی» در سخنان اخیر خود فرمودند: «شکوفایی استعدادها و بروز قدرت و ابتکار جوانان کشور در دفاع مقدس نشان داد جوانان همیشه قادرند همه مسائل کشور را حل کنند.» چرا متوجه چنین حضور و چنین آینده‌ای که ریشه در دفاع مقدس دارد، نباشیم؟

5- ما با نوع برخوردی که حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» با حمله صدام حسین که حمله همه جهان استکبار بود به ما، داشتند؛ فهمیدیم می‌توان به حقیقت باور داشت، حقیقتی که از زندگی جدا نیست و در متن زندگی به ظهور می‌آید، امری که شهدا - این آینه‌های سراسر معنا - نشان دادند. آن‌ها حقیقت را در متن تاریخیِ انقلاب اسلامی یافتند و در صحنه دفاع مقدس به دفاع از آن مبادرت کردند.

6- به راستی آیا «فضیلت» و «عواطف حماسی» دو امر جداگانه‌اند؟ تا بتوانیم یکی را برگزینیم و دیگری را رها کنیم؟ حال آن‌که، آن‌کس که فضیلت را برگزید نمی‌تواند نسبت به حضور حماسی خود در عالم تردید کند و ما نمونه روشن آن را در پریروز تاریخ‌مان در شخصیت مولای‌مان علی«علیه‌السلام» یافتیم و در پس فردای خود حضرت روح الله«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» را همراه داریم که به حضرت مهدی«عجل‌الله‌تعالی‌فرجه» اشارت دارد وگرنه یا فضیلت را به بازی گرفته‌ایم و یا حماسه را مانند آقای خاوری - رئیس اسبق بانک مرکزی که با ظاهر و گفتار مذهبی و انقلاب دست به اختلاس بزرگ زد- نمی‌فهمیم. بی‌حساب نیست که رهبر معظم انقلاب«حفظه‌الله‌تعالی» در خطاب به مبلّغین و طلاب حوزه‌های علمیه می‌فرمایند: «اگر روحیه جهادی نباشد، اولاً: انسان گاهی صحنه را غلط می‌بیند. ثانیاً: گاهی در رفتار، غلط عمل می‌کند.»

7- وقتی انسان نسبت خود را با «وجود بیکرانه اکنون جاودانه»اش پیدا کرد، به راحتی مواظب است تا جان او فضیلت‌های دروغین را نپذیرد، هرچند مانند پهلوانی باشد که روی بند ایستاده و هر لحظه امکان دارد سقوط کند ولی سقوط به کجا؟ وقتی باز هم در «وجود بیکرانه اکنون جاودانه خود» حاضر است، به همان معنای حضور در آغوش خدا. و ما این را در دفاع مقدس و در آرامشی که در چهره رزمندگان بود، تجربه کردیم، یعنی در حاج حسین خرازی و این‌که به ما نشان داد آن کس که با هیچ خواستی متلاطم نمی‌شود و به هیچ روی نمی‌خواهد چیزی جر آنچه هست، شود و همچون دریایی آرام است؛ همان کسی است که متوجه «حضور اکنون بیکرانه جاودانه» خود شده است. در این حال وقتی به ارزشمندترین امیدها و اهداف بشر مدرن می‌نگرد می‌یابد درآن جهان، جدّی‌ماندنی که توصیه می‌کنند، چه اندازه دشوار و چه اندازه با توهّمات همراه است. پس باز مائیم و «حضور اکنون بیکرانه جاودانه خود» و ادامه راه. راهی که با دفاع مقدس شروع شد به همان معنایی که حضرت امام خمینی«رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» متذکر شدند که « ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم...».

والسلام